

قانون اصول محاکمات حقوقی

۴ - لباس رسمی و نیم رسمی و همچنین اسلحه و اسباب اهل نظام حاضر خدمت .

۵ - اسباب و آلات زراعتی و حرفتی صنعتی که برای شغل مدیون لازم است همچنین دواب لازم برای زراعت .

در صورتیکه محکوم علیه حکم را طوعاً بموقع اجرا ننگذارد بخواهش محکوم له مامور اجرا بدر طبق قانون حکم را بموقع اجرا خواهد گذارد یعنی اگر محکوم به عین معین باشد آن عین را گرفته تسلیم میکند و در صورت امتناع محکوم علیه مشارالیه مستنکف شناخته شده بر طبق شرحی که سابقاً اشاره کردیم رفتار خواهد شد .

ابلاغ اجرائیه بمحل اقامت محکوم علیه بعمل میاید و در مواقیکه محکوم علیه محل اقامت معینی ندارد حکم بوسیله آگهی در جرائد بمشار الیه ابلاغ میشود و در آگهی مزبور بایستی قید شود که در صورت قطعی شدن حکم و صدور ورقه اجرائیه ورقه مزبور نیز یکمرتبه در جراید آگهی داده روز بعد از آن بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

ترتیب توقیف اموال

اموالیکه در ازاء محکوم به معرفی میشود ممکن است منقول یا غیر منقول باشد در هر دو صورت مامور اجرا صورتی از اموال مورد توقیف با ذکر صفات و مشخصات و جزئیات آنها برداشته اشیاء منقول را در محل مناسبی گذارده درب آنرا مهر میکند و طرفین نیز میتوانند بهلوی مهر اجرا را مهر کنند و اشیاء مزبور بشخص مسئولی سپرده میشود و در صورتیکه طرفین در انتخاب آن توافق کنند مطابق موافقت آنها رفتار و الا مامور اجرا خود معین خواهد کرد و نسبت با اموال غیر منقول علاوه بر

شکایت از مأمورین اجرا بدعی العموم بدایت و منازعات راجع بمقاد احکام بمحکمه که حکم را داده است راجع میشود و شکایت او بمأمورین اجرا باعث توقیف جریان اجرائی نمیشود مگر در صورتی که بتقاضای مدعی العموم محکمه صلاحیتدار در اینباب قراری صادر کرده باشد

فرار محکوم علیه

در صورتیکه محکوم له ثابت کند که محکوم علیه در صدور قرار است از اوضاعین یا کفیل خواهد گرفت و در صورت امتناع بتقاضای محکوم له توقیف خواهد شد پس از ابلاغ اجرائیه هر گاه محکوم له اموالی از محکوم علیه ارائه بدهد به تقاضای او و بوسیله مامور اجرا توقیف خواهد شد و در موارد ذیل مامور اجرا بایستی مأموری از شهربانی برای حضور دعوت نماید .

- ۱ - هر گاه در بـخـانه یا اطاق بسته و یا مقفل باشد و باز نکنند
- ۲ - هر گاه محکوم له غائب است و توقیف در غیاب او بعمل میاید .

اشیاء غیر قابل توقیف

قانون گذار از نظر رعایت حال محکوم علیه اشیاء ذیل را که از مستثنیات دین است از توقیف مصون نموده

- ۱ - لباس و اشیائیکه برای حوائج ضروری مدیون و خانواده او لازم است .
- ۲ - آذوقه موجود بقدر احتیاج یکماه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب النفقه .
- ۳ - اسناد مدیون باستثناء کاغذهای قیمتی و سهام شرکتی .

نباشد و همچنین در صورتیکه هیچ کس از قیمتی که برای اشیاء معین شده است اضافه نخرند در صورت عدم فروش طلبکار میتواند تقاضای آگهی مجدد کند و در صورت عدم حضور کسی در دفعه دوم میتواند عین مال را برداشته یا تقاضا کند که از سایر اموال دیگر محکوم علیه توقیف شده و عملیات اجرایی نسبت با اموال مزبور شروع شود.

فروش اموال غیر منقول

صورت اموال غیر منقول نیز بایستی با ذکر مشخصات برداشته شده و فروش آن بادر نظر گرفتن اختلافات ذیل داشته مثل اموال منقول است اموالی که کمتر از سه هزار ریال ارزش باشد موعد فروش آن یکماه است و از سه هزار ریال تا پنج هزار ریال دو ماه و از این مبلغ به بالا سه ماه پس از اتمام جریانات فوق مشخصات ملک بایستی در آگهی فروش درج شده و آگهی هامنتشر و روز فروش معین گردد این نکته را باید در نظر داشت که تقویمی که از طرف مقومین در مورد اموال غیر منقول بعمل میاید بایستی با در نظر گرفتن منافع سه سال اخیر باشد.

ممکن است که محکوم له شخصا تقاضا کند که مالک به قیمتی که تقویم شده باو واگذار شود در اینصورت بنا مرتب بودن مقدمات اجرایی مامور اجرا گذارش امر را به محکمه که حکم تصرف ملک را بایستی بدهد میفرستد و محکمه حکم تصرف را صادر خواهد کرد.

اعتراض شخص ثالث بملك توقیف شده

ممکن است اشخاص ثالثی نسبت بملکی که در قبالت محکومیت محکوم علیه توقیف شده است خود را ذیحق بدانند و در اینصورت میتوانند بمحکمه صلاحیتدار عرض حال داده در ضمن تقاضای رسیدگی توقیف مزایده را نیز خواستار شوند در اینصورت اگر دلائل شخص ثالث در نظر محکمه مزبور قوی باشد قرار توقیف مزایده را صادر کرده و مدعا به دائن را تامین میکنند و مراتب را به محکمه که مزایده بایستی در حوزه آن بعمل آید اطلاع خواهد داد.

مقرراتی که نسبت بان قابل اجراء است با اداره ثبت اسناد محل وقوع ملك نیز مراتب اطلاع داده میشود.

تقویم اشیاء

در حین توقیف اشیاء منقول بایستی اشیاء مزبور تقویم شود و تقویم از طرف دائن بعمل میاید و در صورت عدم تسلیم مدیون طرفین حق تقاضای مقوم را دارند که در صورت عدم موافقت آنها در انتخاب آن از طرف مدعی العموم انتخاب خواهد شد و در غیاب مدعی العموم از طرف رئیس محکمه تعیین میشود عدم مقومین بایستی فرد باشند.

توقیف اموالیکه مدیون نزد اشخاص ثالث دارد

در صورتیکه محکوم علیه وجه نقد یا اشیائی نزد اشخاص ثالث داشته باشد ورقه اجرائیه دائن به توقیف اشیاء مزبور بشخص ثالث ابلاغ و مراتب بمحکوم علیه نیز اطلاع داده میشود شخص ثالث مسئول اموال مزبور در مقابل محکوم له و اجرا خواهد بود.

در مقابل ورقه اجرائیه حقوق دیوانی محکوم علیه نیز (باستثناء تقاعد و وظیفه) قابل توقیف است و در صورتیکه محکوم علیه معیل و صاحب اولاد باشد تا ربع حقوق ماهیانه او توقیف میشود والا تا ثالث حقوق او قابل توقیف است.

فروش اموال منقول

پس از ترتیب صورت تقویم از طرف مامور اجرا محل فروش آن که یکی از محلهای عمومی بایستی باشد تعیین میشود و روز فروش که فاصله اش باید کمتر از یک هفته و بیشتر از دو ماه نباشد آگهی شده و فروش با حضور مدعی العموم و طرفین بطریق مزایده بعمل نباید آگهی فروش باید بیک هفته و در مورد فوری یکروز قبل از روز فروش در اداره شهربانی و معاینه محل نصب شود و نسبت باشیائیکه قیمتش بیش از شصت ریال است درج آن در جرائد نیز لازم میباشد.

در موارد ذیل فروش بعمل نخواهد آمد.

۱ - هرگاه مشربی حاضر نباشد و یا بیش از یک نفر

در ضمن بحث نسبت بمواد مختلفه و اصول تشکیلات عدلیه و قانون اصول محاکمات حقوقی بحث نسبت بمواد کلاسه را از نظر جریان قانون جدید و کالت بموقع بعد از تصویب آن واگذار کرده و اینک که بر نامه پیاپیان رسیده در خاتمه آن مختصری نسبت بمواد کلاسه عدلیه و همچنین تغییراتی که در نتیجه اصلاحاتی در قانون تشکیلات عدلیه و استخفاف قضات بعمل آمده است گوشزد میکنیم

وکلائی عدلیه

طرح دعوی در محاکم و دفاع از دعاوی مطروحه محتاج باطلاعات خاصی از قوانین موضوعه است که ممکن است صاحبان دعاوی از اطلاعات مزبور بی بهره باشند و از این نظر بانها حق داده شد که رفع حاجت خود را بوسیله انتخاب و کیل بعمل آورند.

بنابر این و کلاسه عدلیه عبارت از اشخاصی هستند که با داشتن اطلاعات مخصوصی و اجازه از طرف وزارت عدلیه میتوانند در محاکم مختلفه از حقوق موکلین خود دفاع نمایند.

آخرین قانونیکه در موضوع و کالت تصویب شده قانون مورخه ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۵ است که بر طبق آن قوانین سابق راجع باین موضوع یعنی فصل دوم از قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ و ماده دو قانون ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ و قانون مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و قانون و کالت مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ شده است.

بر طبق قانون اخیر و کالت در محاکم عدلیه دارای سه درجه میباشد.

۱ - و کالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف و تمیز.

۲ - و کالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف.

۳ - و کالت در محاکم صلح و بدایت

و کلاسه درجه اول میتوانند در تمام حوزه های قضائی کشور و کالت نمایند ولی وزارت عدلیه میتواند که

اعسار

قانون اعسار مورخه ۲۰ آذر ۱۳۱۳ که بر طبق آن قانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ۳۱۰ نسخ شده معسر کسی را میدانند که بواسطه عدم کفایت دارائی و یا عدم دست رسی بمال خود قادر بتادیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد. بنا بر این در دو مورد میتوان مبادرت بتقدیم عرض حال اعسار نمود.

۱ - اعسار در مقابل دیون که در مقابل محکوم به و اوراق لازم الاجرا تقاضا میشود.

۲ - اعسار از پرداخت مخارج محاکمه - در صورت اول دعوا بطرفیت داین - و در صورت دوم دعوا بطرفیت مدعی العموم طرح شده در این صورت طرق اصلی دعوی تمیز دعوت میشود محکمه صلاحیتدار راجع باعسار در مخارج محاکمه محکمه است که صلاحیت رسیدگی دعوی اصلی را دارد و اعسار نسبت به مخارج مرحله بدوی جزمیمه عرض حال اصلی تقدیم میشود و مرجع رسیدگی باعسار نسبت بمخارج استیناف و تمیز نیز محکمه است که بدوا بدعوا رسیدگی نموده است.

محکمه صلاحیتدار نسبت باعسار در مقابل محکوم به محکمه است که دعوا بدایتا در آن طرح شده نسبت باوراق لازم الاجرا محکمه صلاحیت دار محل اقامت مدعی اعسار است. محاکمه اعسار اختصاری بوده و مدعی اعسار بایستی لاقول شهادت چهار نفر که از وضعیت زندگی او اطلاع داشته باشند ضمیمه نماید و محکمه میتواند شهود او را نیز خواستند که در محکمه نیز ادا شهادت نمایند حکم اعسار و رد آن نسبت به محکوم به و اوراق لازم اجرا قابل استیناف و تمیز است و حکم قبول اعسار نسبت بمخارج محاکمه غیر قابل استیناف و تمیز میباشد ولی از حکم رد اعسار میتوان استیناف خواست در خاتمه این نکته را باید در نظر داشت که از تاجر مطلقا عرض حال اعسار پذیرفته نشده و تاجری که خود را دچار عسرت بداند بر طبق مقررات قانون تجارت بایستی عرض حال توقف بدهد.

وکالت و کلاء درجه دویم و سوم را محدود به حوزه معینی بنماید

بوزارت عدلیه نیز اجازه داده شده است که از داوطلبان وکالت که معلوماتشان کافی برای احراز یکی از درجات سه گانه نباشد مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده و بانها اجازه وکالت در نزد محقق ثبت یا مامورین صلح و یا محاکم صلح در حوزه معین بدهد و این قبیل وکلاء را کار کشا مینامند

وکالی اتفاقی

بطوریکه در فوق اشاره شد دعوی یا بواسطه صاحبان آن بایستی طرح و رفاع شود و یا بوسیله وکلائیکه اجازه وکالت بانها داده شده است معذالك ماده ۲ قانون وکالت اجازه داده است باشخاصی که معلومات آنها کافی برای وکالت باشد ولی شغل آنها وکالت نباشد تا سه نوبت در سال اجازه داده شود که برای اقریای صبی یا نسبی خود تا در درجه دویم از طبقه سوم وکالت کنند و این نوع وکلاء را وکیل اتفاقی مینامند.

شرایط وکالت

برای وکالت در هر یک از درجات سه گانه قانون اخیر تصویب شرایطی قائل شده است که بقرار ذیل است

وکالی درجه سوم

بر طبق ماده ۵ قانون وکالت وزارت عدلیه میتواند باشخاص ذیل بدوا جواز وکالت درجه سوم بدهد

۱ - فارغ التحصیلات کلاس قضائی که یکسال سابقه قضاوت یا وکالت داشته باشند.

۲ - اشخاصیکه پس از اجرای این قانون سه سال سابقه شغل وکالت داشته و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته باشند.

۳ - فارغ التحصیلهای کلاس قضائی یا بیک سال آزمایش یا کسانیکه برنامه آلاس قضائی را در موقییکه وزارت عدلیه معین میکنند امتحان بدهند بایکسال آزمایش

وکلاء درجه دوم

باشخاص ذیل وزارت عدلیه میتواند اجازه وکالت درجه دو را بدهد

اشخاصی که سه سال متناوب یا متوالی اشتغال بخدمت قضائی یا وکالت داشته و سلب صلاحیت از آنها نشده باشد.

۲ - اشخاصیکه از دانشکده های حقوقی و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند

۳ - اشخاصیکه قبل از اجرای این قانون شش سال سابقه شغل وکالت دارند و یا آنکه مجموع اشتغال آنها بخدمات قضائی و وکالت شش سال بوده و محکومیت انتظامی از درجه سه بیلا نداشته و در حین اجراء این قانون اجازه وکالت داشته باشند

وکالی درجه اول

باشخاص ذیل وزارت عدلیه میتواند اجازه وکالت درجه اول بدهد

۱ - اشخاصیکه سابقا صلاحیت آنها را محکمه انتظامی برای وکالت در تمام مراحل قضائی تصدیق نموده باشد و محکومیت انتظامی از درجه سه بیلا نداشته باشند

۲ - اشخاصیکه لا اقل دارای رتبه ۵ قضائی بوده و پنج سال متوالی یا متناوب سابقه خدمات قضائی داشته باشند یا اشخاصی که شانل خدمات قضائی در طبقه دوم مقامات قضائی گردیده و مدت ۵ سال متوالی یا متناوب اشتغال بخدمات مزبوره داشته و در هر صورت سلب صلاحیت قضائی از آنها نشده باشد.

۳ - اشخاصیکه از دانشکده های حقوقی و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند و یکسال قضاوت یا دوسال وکالت کرده اند.

۴ - کسانیکه قبل از اجراء این قانون نه سال سابقه شغل وکالت دارند یا اینکه مجموعه اشتغال ایشان در شغل قضائی و وکالت نه سال باشد و محکومیت انتظامی از درجه سه بیلا نداشته و در حین اجراء این قانون هم اجازه وکالت در تمام مراحل داشته باشند